

جوانان حکمتیست ۹۴

۲۰ خرداد ۱۳۸۵ - 20 JUNE 06

سه شنبه ها منتشر می شود!

سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com

طنین رهایی یا طوق قومیت؟

علی راستین

گارد آزادی در ماه اخیر دور جدیدی از مانورها، گشت های سیاسی و بطور کلی ابراز وجود سیاسی- نظامی خود را در قالب کنترل محلات در شهرهای مختلف کردستان آغاز کرده است؛ که نمونه اخیر آن کنترل و تحت اختیار آوردن بخش قابل توجهی از محلات شهر مهاباد در دو نوبت توسط واحد شاهین این گارد بود. صرف نظر از ابعاد این حرکت که در مقایسه با نمونه های قبلی بسیار وسیع تر بوده است، حتی ابراز وجود کمونیست ها بطریق نظامی در سطح شهری مثل مهاباد بسیار حائز اهمیت است و در خور ستایش است. مهاباد که تاریخا منطقه ای بوده است که ناسیونالیسم کرد در آن دست بالا را داشته است. مهابادی که ناسیونالیست های کرد به نوعی آن را "پایتخت معنوی" و "جمهوری مهابادی" خود می دانند، این روزها برای ساعاتی تحت کنترل چپ ها و کمونیست ها در می آید که به راستی باید آن را ارج نهاد.

از سوی دیگر وجود تحرکات قومی و ارتجاعی اخیر در آذربایجان ایران که زبانه های آتش مهیب خود را حتی از جغرافیای منطقه ای و محلی در آذربایجان بیرون کشید، مساله ای بود که در بعد سراسری فضای سیاسی ایران را بار دیگر قطب بندی کرد. عریده کشی ناسیونالیست های دو آتش و قوم پرستان از یک طرف، و از طرف دیگر حمایت و ابراز همدردی خجولانه همان لشکر تکراری و خسته کننده، آن ائتلاف همواره حاضر هیچ گاه اعلام نشده چپ سنتی، اعم از انجمن های زندانیان اسبق رژیم سابق، و ← ص ۲

دوستان همجنبشی را تنها نخواهیم گذاشت!



عباس رضایی

همه دستگیر شدگان ۲۲ خرداد بجز موسوی خوبی آزاد شدند. ولی هنوز اسانلو، عابد توانچه، یاشار قاجار و .. در زندان هستند. این یک دنیا فعالیت از ما در خارج و داخل می طلبد تا با فشاری گسترده و همه جانبه جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی بیشتر کنیم. مبارزه این کمپین، تا آزادی همه دستگیر شدگان اعتراضات دانشجویی و دیگر اعتراضات ادامه دارد. جمهوری اسلامی با بازداشت های وسیع و آزادی عده ای از آنها در صدد است عابد، اسانلو و یاشار ها را به فراموشی بسپارد. اما بدون شک ما کارگران، ما دانشجویان و زنان هم جنبشی های خود را در زندان فراموش نخواهیم کرد.

در طی چند روز گذشته حزب حکمتیست و سازمان رهایی زن فعالیتهای گسترده ای را آغاز کرده است، که گذارش های از آن فعالیتها به روی سایت های اینترنتی این حزب و سازمان قابل مشاهده است. من اینجا قصد دارم بطور مختصر این فعالیتها را برای خوانندگان نشریه منعکس کنم. ص ۴

راهی جز متحد کردن و سازمانگری جبهه آزادیخواهی نداریم!
با اعظم کم گویان ص ۲



۳۰ خرداد ۶۰، روز تولد جمهوری اسلامی روز اعلام کیفرخواست بشریت

در تاریخ حاکمیت ۲۷ ساله جمهوری اسلامی، مقاطع، روزها، ماهها و سالهای خونین کم نیست. حکم جهاد خمینی در مرداد ۵۸ و تیربارانها در کردستان، سی خرداد و نسل کشی در سراسر ایران، تابستان ۶۷ و قتل عام زندانیان سیاسی در زندانها، ترورها و "قصابی های اسلامی" از نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور، قتل های زنجیره ای در ایران، و ... تنها مقطعی از دریای عظیم عفونت و خونی است که رژیم اسلامی ایران سوار بر آن تسمه از گرده مردم ایران کشید. در تاریخ جمهوری اسلامی در ایران آنچه که کیمیا است، لحظات "کم درد" و "کم جنایت"، روزها و لحظات "بی گناهی" مسئولین ماشین جنایت تمام عیار حاکمیت است. در میان رژیم های فاشیستی در تمام طول تاریخ بشر، و در میدان مسابقه کشتار و جنایت، جمهوری اسلامی بی تردید مرتبه "بالایی" دارد. در دل "هالوکاست های اسلامی" در ایران، سی خرداد سال ۶۰ و اتفاقات آن روزها، اهمیت ویژه ای دارد. این اهمیت اما تنها از میزان خونی که به جامعه پاشیدند، از ابعاد نسل کشی و قتل عامها، و از میزان قساوت و توحشی که مرتکب شدند، ناشی نمی شود. هرچند که از این نظر هم سی خرداد سال ۶۰ را تنها با آشویتس نازیسم میتوان قیاس کرد. در سی خرداد ۶۰، یک رویداد تاریخی مهم اتفاق افتاد، رویدادی که شالوده و سنگ بنای جمهوری اسلامی ایران است. واقعه ای که زنده نگاهداشتن و یاد کردن از آن، نه تنها برای قربانیان آن واقعه و همه قربانیان قبل و بعد از آن، نه تنها به خاطر بازماندگان آن هالوکاست، که برای بشریت، ضروری است و درس های آموزنده دارد. جمهوری اسلامی ایران نه محصول انقلاب ۵۷ بود و نه نتیجه قیام ۲۲ بهمن و اعتصابات محل کار و اعتراضات خیابانی. این رژیم نه محصول جنگ مردم ایران با رژیم دیکتاتوری شاه بود و نه حاصل "مذهبی و اسلامی" بودن جامعه و مردم ایران. جامعه و مردمی که در آن مقطع همانقدر "مذهبی" بودند که مردم در اسپانیا و ایتالیا در آن روزها! واقعیت این است که جمهوری اسلامی یک دولت محصول انقلاب ۵۷ نیست و مردم ایران هرگز مردمی خواهان یک جامعه مذهبی و حاکمیت اسلام نبودند. ← ص ۲

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

→ جمهوری اسلامی، حاکمیت خمینی و حزب الله، محصول شکست خونین و تراژیک انقلاب عظیم و آزادیخواهانه مردم ایران در ۲۷ سال پیش بود. انقلابی که یکی از «بانیات» ترین رژی‌های دیکتاتوری جهان در یکی از «بهشتی ترین» جزایر سرمایه داری غرب را به نیروی میلیونی مردم، به نیروی پرشور میلیونها جوان انقلابی، کمونیست و آزادیخواه، به زیر کشید. انقلاب عظیمی که میرفت که علاوه بر دیکتاتور و مائشین دیکتاتوریش، تمام سازمان سرمایه و بنیاد بردگی مزدی در ایران را منهدم کند و بر ویرانه هایش یک نظام انسانی، سوسیالیستی، برابر و آزاد، بنا کند. این انقلاب شکست خورد. رسالت سرکوب و به شکست کشاندن انقلاب ۵۷ را خمینی از شاه، و ولایت

فقیه از سلطنت، تحویل گرفته بود. سی خرداد ۶۰، روزی است که کار و رسالتی که رژیم شاه با کشتار ۱۷ شهریور در سال ۵۷ نتوانست به سرانجام برساند و مردم را به تسلیم و انقلابشان را به شکست بکشاند، جریان اسلامی به رهبری خمینی به اتمام رساند. انجام این رسالت دو سال بطول انجامید و سرانجام با کودتای ضد انقلاب امپریالیستی جریان اسلامی در سی خرداد ۶۰، کامل شد. انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران شکست خورد و جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک حکومت «مقتدر» و یک دست، متولد شد. سی خرداد شصت، روزی است که دو سال مقاومت پرشور و سراسری مردم، جوانان انقلابی و کمونیست، کارگران و کارکنان و زنان در دفاع از دستاوردهای انسانی

انقلابشان، در همه جای ایران، سرکوب و به شکست کشیده شد. جنبش دفاع از دستاوردهای انقلاب و مقاومت مردم و جوانان از این پس به سنگر کردستان عقب نشست. مقاومتی که در کردستان تا ۱۰ سال بعد در جنگ در همه ابعادش با رژیم اسلامی، ادامه یافت. اما سی خرداد شصت، روز تولد جمهوری اسلامی و شکست انقلاب مردم، اتفاقی یک وجهی و یک جنگ و پیروزی «ساده» نبود. این مقطع یکی از دردناک ترین و خونبارترین مقاطع تاریخ زندگی مردم ایران است. روزی که کودتای ضدانقلابی جریان اسلامی، به رهبری خمینی در معیت و شرکت همه معماران آن، لاجوری ها، خامنه ای ها و سروش ها و گیلانی ها و رفسنجانی و خلخالی ها و احمدی نژاد ها و دگر اندیشان و دو خردادی های امروز، یک نسل کشی تمام عیار در سراسر ایران را براه انداختند. مقطعی است که شالوده حکومتی که تا ۲۵ سال بعد و تا به امروز، یک زندگی قرون وسطایی به میلیونها نفر در ایران را تحمیل کرد، پایه ریزی شد. ابعاد خسارات انسانی این اتفاق اما، بازگو نکردنی است. روزهایی که در خیابانها و محل های کار، در زندانها و خانه های مردم، شب و روز، پیر و جوان، کودک و زن و مرد را در دسته های ۱۰ نفره و ۱۰۰ نفره از دم تیغ قضاوت اسلامی میگذراند. صدها هزار اعدام و شکنجه و لت و پار شده، از کسانی که به جرایم «مسلم» بودن به نمک و فلفل، از جوانانی که فقط به خاطر در دست داشتن، یا احتمال در دست داشتن، یک برگ کاغذ از ادبیات مخالف، یا به خاطر یک «زبان درازی» در مقابل حمله اوباش حزب اللهی، یا عضویت در یک سازمان چپی، یا پناه دادن به یک فراری از دستگیری، در دادگاههای خبابانی توسط اوباش حزب الله و پاسداران اسلام، وحشیانه به رگبار بسته می شدند، یا در زندانها در تابوت ها و جهنم ها جسم و روانشان در هم کوبیده میشد. گورهای دستجمعی، لعنت آباد ها، قزل حصارها و اوین ها، شاهدان این هالوکاست عظیم اسلامی

هستند.
مردم آزادیخواه!

قربانیان و بازماندگان این نسل کشی را نباید فراموش کرد. اینها شاهدان و شاکبان یکی از تلخ ترین اتفاقات ضد بشری در جهان امروزند. باید در بیست و پنجمین سالگرد سی خرداد، یاد همه عزیزان قربانی این توحش، یاد همه جانبختگان راه آزادی و برابری را گرامی داشت و محبت و همدردی خود را نثار بازماندگان آنها کرد. باید همه کیفرخواست های این اتفاق را به میان کشید. جامعه بشری برای مصونیت در مقابل اتفاقاتی از این دست باید مصون بماند. یک راه ایجاد این مصونیت بازگو کردن، مکتوب کردن و اعلام کردن همه کیفرخواست قربانیان فاشیست های اسلامی است. جامعه بشری، مردم ایران بعلاوه و مهمتر از همه، باید مسببین این نسل کشی را به پای میز محاکمه بکشاند. باید مسئولین و مجریان قضاوت عظیم اسلامی در ایران را، نفر به نفر در دادگاههای مردمی محاکمه کرد. جانین باید پاسخگوی جنایاتشان باشند و مسئولیت جنایات عظیم خود را بعهده بگیرند. در سالروز سی خرداد شصت، باید بار دیگر عزم خود را برای به زیر کشیدن و محاکمه سران رژیم اسلامی جزم کرد. همه، جامعه انسانی در سراسر جهان، باید بدانند که بر بخشی از پیکره بشریت، بر مردم ایران، بر نسلی از پرشورترین جوانان، دختران و پسران انقلابی در ایران، چه گذشت! در سالروز سی خرداد شصت باید بار دیگر برای به زیر کشیدن فاشیست های اسلامی گرد پرچم خواستههای انسانی خود جمع شد و کار جنایتکاران را یکسره کرد.

گرامی باد یاد همه جانبختگان راه آزادی و برابری

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

→ **طنین رهایی یا ...**
دوستان اهل قلم، خیل عظیم ادبا و شعرا و فضلای کلاه مخملی تاکنون جامانده در حال و هوای کوهپایه های البرز و زاگرس (و البته در تبعید!)، به انضمام اندیشمندان «آذری» که این روزها «به وفور» پای هر محفلی یافت می شوند و هر حزب و سازمانی به نشانه «مدال افتخار» کادر آذری اش را باد می زند، طیف های میانه این تحركات ارتجاعی بودند. و در طرف مقابل ما کمونیست ها و اینبار مشخصا تنها ما حکمتیست ها بودیم که در برابر این بساط مسمم کننده ضد انسانی و قوم پرستانه ایستادیم و از اصالت هویت انسان و آزادی بی حد و حصر بیان در برابر هویت های دروغین قومی دفاع کردیم. حال حضور و مانور های اخیر گارد آزادی را باید در این متن دید و فهمید. در پاسخ به اینکه قوم پرستان در ابعاد هزاران نفره مردم را تحت شعارهای ارتجاعی و قومی به خیابان می آورند و عملا جامعه را حول فاشیسم متحد می کنند؛ و می می خواهند کلاه دیگری چون سال ۵۷ بر سرشان بگذارند، در جایی دیگر، در چندین کیلومتر آنسوی تبریز و ارومیه و نغده، در همان جایی که برای مردم هویت قومی تراشیده اند و آنها را به کرد و ترک تقسیم کرده بودند، و بر همین مبنا تخم نفرت قومی در بین شان می پاشیدند، گارد آزادی از انسان، از رهایی انسان، و از

برابری انسان و از اصالت هویت انسان گفته است. ما به روشنی اذعان می کنیم که متأسفانه ابعاد حرکت گارد آزادی در حال حاضر، کوچکتر از آن چیزی است که ناسیونالیست ها و متصدیان تباهی جامعه در تبریز بر پا کرده بودند، بوده است. اما باید سوسوی نور امید چنین حرکاتی را در دل تاریکی اوضاع کنونی ایران دید و از آن حمایت کرد. گارد آزادی نه برای چند روز، بلکه چند ساعت، نه کل شهر، بلکه چند محله منطقه را تحت تصرف خود در آورد. اما در این تحت تصرف در آوردن، نه خبری از عقب ماندگی و قوم پرستی بود، نه نشانی از ترک و کرد و فارس بودن انسان ها بود، بلکه این حضور مصادف با پیام آزادی و برابری بود. تنها گارد آزادی آن نیرویی بود که در منطقه تحت سیطره خود سخنان مسمم کننده ای چون «هاری، هاری، من ترکم» را به «زنده باد هویت انسانی» تبدیل کرد، این نیرو بر خلاف نیروهای مسلح ناسیونالیست اپوزوسیون که قصد جنگ قومی و به خاک و خون کشیده جامعه را دارند، در دفاع از انسان و همه زحمتکشان آن جامعه دست به چنین اقدامات جسورانه ای می زند. پرچم متفاوت را باید از این زاویه دید و یکی را انتخاب کرد. بدون شک هیچ مردمی رای به تباهی خود نخواهند داد. پس چنین حرکاتی را باید تقویت کرد و گارد آزادی را نیروی خود دانست.

راهی جز متحد کردن و سازمانگری جبهه آزادیخواهی نداریم! با اعظم کم گویان



جوانان حکمتیست: ۲۲ خرداد روز اعتراض به بیحقوقی زن بود، واقعه ای شور انگیز در دل اوضاع بحرانی امروز. لطفاً برای خوانندگان نشریه توضیح دهید که اهمیت این رویداد در چه بود؟ خواسته ها و مطالبات زنان چه بود و چشم انداز این حرکت به کجا کشیده می شود؟

اعظم کم گویان: تا آنجا که به خواسته های این حرکت بر می گردد بخشی از خواسته هایی بود که زنان در حدود سه دهه گذشته یعنی از هنگام تولد منحوس جمهوری اسلامی تا امروز برای آنها مبارزه کرده اند از قبیل: "منع چندهمسری، لغو حق طلاق یکطرفه مرد، حق ولایت و حضانت بر فرزند توسط پدر و مادر به طور مشترک، تصویب حقوق برابر در ازدواج (مانند حق بدون قید و شرط اشتغال و حق تابعیت مستقل زنان متاهل و...)، تغییر سن کفبری دختران به ۱۸ سال، حق شهادت برابر، و لغو قانون قراردادهای موقت کار" و دیگر قوانین تبعیض آمیز بود. این شعارها و خواسته ها هر چند که در ظاهر حداقل بنظر می رسند - اگر به صورت ظاهر آنها نگاه کنیم - اما در واقع متحقق شدن هر کدام از آنها یعنی سلب قدرت از جمهوری اسلامی. چون مساله زن در ایران به سیستم عصبی این نظام گره خورده است و سلب وضعیت فعلی زنان که شهروند درجه چندم جامعه هستند یعنی نفی جمهوری اسلامی. به همین دلیل هم هست که زنان را از ابتدا تا امروز چنین وحشیانه سرکوب کرده اند و می کنند. مبارزه جسورانه زنان در ۲۲ خرداد سال گذشته نیز حول چنین خواسته هایی دامنه وسیعی یافت و به تظاهراتی انقلابی علیه کلیت نظام تبدیل شد. جنبش رهایی و رفع ستم از زن رکن

سرنگونی مواجه بودیم. بدیل راست که رفتن جمهوری اسلامی را در دست به دست شدن دستگاه دولتی جستجو میکرد و آلترناتیو چپ که تجسم خواسته های آزادیخواهان کارگران و مردم برای کسب حقوق و آزادیهای سیاسی و اجتماعی بوده است. اکنون با تحركات قومی اخیر ما با دو جنبش سرنگونی روبرو هستیم.

جنبش نفرت از رژیم اسلامی و سرنگونی آن، بیش از آنکه مربوط به ناسیونالیست ها و فرقه طلبان باشد، مسله جنبش ما است. خواست سرنگونی این رژیم بیشتر از هر کسی به ما مربوط است و این باید به همه ما ضرورت شرکت فعال در تحولات سیاسی را خاطر نشان کند. اگر در جایی قرار است به چیزی اعتراض شود، اگر کسی را آزار داده اند، اگر مردم میخواهند به خیابان بیایند و اعتراض کنند، ما باید از سازماندهندگان اول این اعتراضات باشیم. در غیر این صورت جای خالی ما را کسان دیگری و از جمله همین قوم گراها و ناسیونالیست ها پر میکنند. این امکان را باید از آنها گرفت و امکان اعتراض انسانی به سر تا پای رژیم اسلامی را برای مردم فراهم کرد.

راه حل به راه انداختن یک جنبش اجتماعی و متحد کردن مردم حول خواسته ها و مطالباتی مانند آزادی بیان و تشکل، لغو آپارتاید جنسی، کوتاه شدن دست مذهب از سر مردم، رفاه و تامین زندگی مردم است. این خواسته های جنبش سرنگونی طلبی آزادیخواهانه است که قوم و ملیت و مذهب نمی شناسد. هر انسان تحت ستمی، حتی انسانهایی که از ستم مذهبی و ملی رنج میبرند، باید به این جنبش بپیوندند. جنبش قوم پرستانه سرنگونی فقط جامعه را به طرف عراقیزه شدن و یوگسلاویزه شدن میکشاند. با قدرت گیری جنبش سرنگونی طلبی قوم پرستانه، شیرازه جامعه از هم خواهد پاشید و نزاعها و جنگهای قومی و مذهبی ←

مهمی از جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه در ایران بوده و امسال در متن اوضاع بحرانی جامعه زیر سایه قلدری آمریکا و استفاده جمهوری اسلامی از آن برای تحمیل سرکوب و اختناق بیشتر از یک طرف و از طرف دیگر تحرک جریانات قومی جایگاه خاصی به مبارزه انقلابی و جسورانه زنان علیه نظام جمهوری اسلامی بخشیده است. در مقابل کراهت جنبش قوم پرستی ما با ابعاد انسانی و آزادیخواهانه جنبش زنان علیه بی حقوقی و هم سرنوشتی زنان و دانشجویان مبارز روبرو بودیم. تظاهرات ۲۲ خرداد زنان، جلوه ای از جنبش آزادی و برابری در مقابل سیاهی و نکبت قوم پرستی و ارتجاع اسلامی بود. این اهمیت و جایگاه خاص تظاهرات زنان در ۲۲ خرداد بود. زنان و دانشجویان در این روز گفتند که نمی خواهند رنگ قومی و ملی به خواسته هایشان بزنند و اینکه در صف انسانیت و حق طلبی قرار دارند. این جنبش ماست جنبش آزادی و برابری و جنبش "نه به هویت قومی و ملی" است و باید با تمام قوا آن را تقویت و متحد کنیم.

جوانان حکمتیست: سوال دیگری که مطرح است این است که چرا اعتراضاتی چون ۲۲ خرداد و اعتراضات دانشجویان در دانشگاه ها که حاوی مطالباتی انسانی و رادیکال بودند، نمی توانند دهها و صدها هزار نفر را به خیابان بکشانند اما در عوض اعتراضاتی ارتجاعی از قبیل آنچه در آذربایجان در چند هفته پیش علیه آزادی بیان به نفع باد زدن مسئله قومی رخ داد دهها هزار نفر را به خیابان آورد؟

اعظم کم گویان: چند مولفه را باید در جواب به این سوال بحث کنیم. اول اینکه تحرک جریانات قومی که چندی است به راه افتاده بخشی از سیاست نظم نوین جهانی است. دوره گسترش جنبش ارتجاعی قوم پرستی که

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

۱ → **دوستان همجنش...**

سوئد، استکهلم: میتینگ اعتراضی در مقابل درب ورودی پارلمان سوئد در اعتراض به دستگیریهای گسترده در ۲۲ خرداد و دانشجویان زندانی. در این تجمع به جز رحمان حسین زاده از رهبری حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، دو نماینده از پارلمان سوئد شرکت داشتند و جمهوری اسلامی را بشدت محکوم کرده و خواهان آزادی دستگیر شده ها شدند. گزارش رادیو فردا از این اکسیون کاملا گویا است.

رادیو فردا: روز پنجشنبه همایشی در برابر پارلمان سوئد در پایتخت این کشور در حمایت از زنان و دانشجویان ایران برگزار شد. در میان سخنرانان دو نماینده پارلمان از حزب مردم و محیط زیست شرکت داشتند. اسد نودینیان مسول برگزاری همایش های سراسری پناهندگان در مصاحبه با رادیو فردا می گوید ما زمان کوتاهی برای سازمان دادن این اعتراض داشتیم. خانم استرام نماینده پارلمان سوئد می گوید سرکوب تظاهرات مسالمت آمیز زنان در ایران توسط حکومت احزاب پارلمان سوئد را متغیر کرد.

وی می گوید ما خواهان رفتار مناسب با زنان، دانشجویان و قومها در ایران هستیم. مشکل اینست که جامعه جهانی هم اکنون درگیر بحران هسته ای ایران است و بهمین دلیل افکار عمومی مسایل حقوق بشر را در این کشور فراموش کرده است.

اللهه روانشاد
انگلستان، لندن: به فراخون سازمان رهایی زن امروز جمعه ۱۶ ماه ژوئن در اعتراض به سرکوب تجمع اعتراضی زنان در تهران و برای آزادی دستگیرشدگان تظاهراتی در مقابل بخش فارسی بی بی سی BBC در لندن برگزار شد.

این تظاهرات با شعارهای "نه آپارتاید جنسی"، "نه حجاب اجباری، زنده باد آزادی و برابری" و "دستگیرشدگان تظاهرات زنان آزاد باید گردند" بمدت یک ساعت و نیم ادامه داشت. اعظم کم گویان دبیر سازمان رهایی زن و

هوزان محمود از مسئولین سازمان آزادی زن عراق در طی این تظاهرات سخنرانیهای کوتاهی ایراد کردند. بدنبال این تظاهرات برنامه زنده رادیو میدل ایست پانوراما در لندن و بخش فارسی رادیو BBC با اعظم کم گویان در مورد خواستها و مبارزه زنان در ایران و فعالیت سازمان رهایی زن مصاحبه کردند. مصاحبه با BBC فردا از برنامه بامدادی این رادیو پخش خواهد شد.

فروغ: در اعتراض به سرکوب تجمع اعتراضی زنان در تهران و برای آزادی دستگیرشدگان اخیر در ایران سازمان رهایی زن در نروژ مجموعه فعالیتهایی را شروع کرده است. این سازمان روز جمعه ۱۶ ژوئن با انتشار اطلاعیه ای به زبان نروژی خطاب به مردم مترقی احزاب سیاسی و سازمان عفو بین الملل در مورد وضعیت زنان در ایران جمهوری اسلامی و خواستهای آنان برای حقوق اجتماعی و انسانی شان و چگونگی حمله پلیس و اوباشان جمهوری اسلامی به تظاهرات اجتماع زنان در میدان هفت تیر تهران و پخش این اطلاعیه در مرکز شهر اسلو در بین مردم خواستار محکوم کردن جمهوری اسلامی از طرف این احزاب و سازمانها و همچنین دفاع و پشتیبانی آنان و مردم از آزادی دستگیرشدگان شد. در طی این فعالیتهای و تماس ها کمیته بررسی مسائل خارجی پارلمان نروژ و حزب سوسیالیست چپ نروژ قبول کرده اند که ملاقات با واحد نروژ سازمان رهایی زن را در این مورد بپذیرند. این ملاقات ها در روزهای آینده انجام خواهد گرفت.

فرانسه: بدنبال تماسهای پیام آذر عضو کمیته خارج از کشور حزب حکمتیست در فرانسه، با سندیکاهای دانشجویان شهر لیون، اتحادیه متحد دانشجویان لیون همراه فدراسیون سندیکای دانشجویان لیون با ارسال نامه ای از مبارزات دانشجویان ایران حمایت کرده و خواهان آزادی همه دستگیرشدگان اعتراضات دانشجویی در ایران شدند. در این نامه آمده است:

→ مصاحبه با اعظم کم گویان
مدنیت را در جامعه نابود خواهد ساخت. زیر شعار رفع ستم ملی و قومی از قوم ترک، پاکسازی قومی نهفته است.

طلبانه بسیج کند. سرنگونی جمهوری اسلامی باید توسط این جنبش صورت گیرد. جمهوری اسلامی را باید با قیام مردم، مردمی که نه با هویت قومی و ملی، بلکه با هویت انسانی و طبقاتی به میدان میایند انداخت. جنبش کارگری، جنبش رهایی زن، جنبش جوانان، و کلا جنبش آزادی و برابری انسان میتواند این وضعیت را تغییر دهد.

نقش حزب حکمتیست در این میان تعیین کننده است. راهی جز متحد کردن و سازمانگری جبهه آزادیخواهی نداریم! باید متحد کننده و سازمانگر جبهه حق طلبی و آزادیخواهی بشویم!

FSE- ضمن حمایت از مبارزات دانشجویان ایران بویژه ما خواهان آزادی همه دستگیرشدگان هستبم. از مبارزه جوانان و زنان و کارگران در ایران برای عدالت اجتماعی سکولاریزم - برابری بین زنان و مردان و پایان دادن به هرگونه تبعیض حمایت می کنیم. همچنین اکسیون مشابه دیگری در آلمان برگزار شد. در ادامه این فعالیتهای سازمانهای زیادی با این کمپین ما اعلام همبستگی کردند که از جمله آنان می شود اشاره کرد به

- **امریکا:** سازمان زنان برای صلح
- **امریکا:** انستیتو برای سکولاریزم
- **امریکا:** اتحاد سکولار اوپانیست ها
- **هلند:** شبکه علیه تبعیض و راسیسم
- **فرانسه:** سندیکای متحد دانشجویان لیون
- **فرانسه:** سندیکای دانشجویان فرانسه
- **بریتانیا:** مرکز خاورمیانه ای حقوق زنان
- **بریتانیا:** کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه
- **سازمان آزادی زن عراق**

این کمپین چند روزه، نشان داد که می شود، دنیای متمدن را علیه دستگیری های اخیر بسیج کرد. می شود با اعتراض در داخل، فشار بر جمهوری اسلامی و همزمان آگاه کردن تمام سازمانهای رادیکال در خارج کشور

یک بسیج توده ای بر علیه این بربریت به راه انداخت. به این کمپین به پیوندید.



از این سایت ها دیدن کنید:

www.jawanx.com
www.hekmatist.com
www.oktoberr.com
www.rahai-zan.org
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

تماس با ما

دبیر سازمان: جمال کمانگر
jamalkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مدریس: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲